



عبدالاحمد فیض

## مشکلات ناشی از عدم تطبیق موافقتنامه امنیتی محصول عدم تساوی متعاهدین و توافقات غیرالزامی امریکا است

اساساً ضرورت وجود یک توافقنامه امنیتی و دفاعی فی مابین کابل و واشنگتن که درین روزها بعلت تشدید حملات مخالفان مسلح دولت افغانستان ، نقل و انتقالات و تمرکز گروه‌های دهشت افکن چندین ملیتی در برخی ولایات شمالی کشور بیکی از نگرانیهای عمده در پارلمان افغانستان مبدل گردیده است ، درست زمانی در صدر اجندای از گفتمان سیاسی و دیپلوماتیک افغانستان باجانب ایالات متحده قرار گرفت، که پیمان راهبردی میان دو کشور ، انعقاد یک موافقتنامه امنیتی را بیک امر تاخیر ناپذیر برای ایالات متحده بخاطر حضور طولانی مدت در افغانستان در دستور روز قرار داد .

حامیان و تمویل کنندگان افغانستان در کنفرانس بین المللی مورخ (۲۱) می سال (۲۰۱۲) میلادی که در شهر شیکاگو ایالات متحده دایر گردید، ضمن تجدید تعهد مبنی بر تداوم حمایت‌های سیاسی ، مالی و تسلیحاتی بدولت افغانستان ، تصمیم مبنی بر خروج کامل نظامیان غرب از افغانستان را که طبق جدول زمانی در اواخر دسامبر سال (۲۰۱۴) تکمیل گردید ، روند گفتگوهای سیاسی و چانه زنی های حقوقی و دیپلوماتیک را به عزم امضای یک سند امنیتی و دفاعی که متضمن حضور مستمر نظامیان ایالات متحده و نیز ناتو بعد از جنوری (۲۰۱۵) میلادی باشد ، تسریع بخشید .

در پروسه مذاکرات طولانی طرفین بمنظور امضاء این سند مهم ، مشکلات عدیده در برابر دولت افغانستان باتوجه به اصل منافع ملی ، ازادی و اصل حاکمیت ملی قرار داشت ، که از جمله میتوان از اعطای حق مصونیت قضایی و یا بعبارت دیگر حق قضاوت بیرون مرزی نظامیان خارجی در کشور یاددهانی نمود .

کاخ سفید که به اعزام حتی یکفرد از تفنگدارانش در بیرون از مرزهای ان کشور ، به موجودیت بدون چون وچرا یک توافق امنیتی با اعطای حق مصونیت قضایی ، در روشنای احکام قانون اساسی امریکا ، از سوی کشور میزبان ضرورت دارد، در یک مرحله حساس در روابطش با کابل قرار گرفت. بدین مفهوم که منافع راهبردی ایالات متحده مبنی بر حضور درازمدت و استمرار ماموریت‌های تجسسی ان در جغرافیای

مورد نیاز در منطقه مستلزم آن بود تا آن کشور با کاربرد روشهای موثر دیپلوماتیک جانب کابل را تطمیع و تحت فشار گذارد و با توافقات ترغیب کننده مبنی بر تجهیز و تسلیح نیروهای مسلح افغان با تسلیحات ، تخنیک و جنگ افزار های مدرن و مورد نیاز ، تمرکز عملیتهای نظامی مشترک در مخفی گاه ها و محلات استقرار عناصر ضد افغانی مستقر در بیرون از مرزهای افغانستان ، مقابله در برابر هرگونه تجاوز و یا تهدید به تجاوز علیه استقلال ، حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان ، کابل را ترغیب نمود تا بدون هرگونه نگرانی ، به خواستهای ایالات متحده پاسخ فوری مثبت دهند در غیر آن با تهدید گزینه سفر و قطع کمکهای که افغانستان بدان نیاز حیاتی دارد مواجه خواهند شد.

کابل که از فقدان یک دستگاه دیپلوماتیک مجرب و آگاه در عرصه مناسبات خارجی اش رنج میبرد ، بدون دقت لازم سیاسی و حقوقی ، در پیوند با نحوه تعهدات غرب بخصوص امریکا و میکانیسمهای مشروع که با اصل منافع افغانستان در تنازع و متناقض واقع نگردد، مفاد و مجموع توافقات مندرج در موافقتنامه را بعد از تایید لوی جرگه مشورتی به سود افغانستان ارزیابی و وجود معاهدات ازین دست را گامی در جهت گسترش مناسبات بین المللی افغانستان و تضمینی در راستای مبارزه علیه تروریسم ، ایجاد قشون مسلح نیرومند ، تامین امنیت و ثبات مطمئن در کشور خوانده ، آمادگی های لازم مبنی بر امضاء فوری موافقتنامه امنیتی و دفاعی در سطوح مختلف برداشته شد.

گرچه رییس جمهور کرزی با زیرکی تمام و با این استدلال که تضمینی وجود ندارد که توافق امنیتی باعث تامین صلح میگردد ، از امضاء سند سرباززده و این مسوولیت تاریخی را به رییس جمهور بعدی واگذار شد ، اما فکتورهای از قبیل نیاز مبرم افغانستان به مساعدتهای مالی و نظامی غرب ، گسترش روز افزون مداخلات خارجی ، بسط و توسعه حملات مخالفان مسلح که در خاک پاکستان لانه های امن در اختیار دارند و نیز ایجاد روحیه تصنعی ترس از دشمن موجب گردید تا دولت افغانستان به زعامت رییس جمهور غنی در نخستین روزهای قدرت تصمیم مبنی بر امضاء سند امنیتی با امریکا و نیز سازمان ناتو را اتخاذ و سرانجام این سند با شتاب ، بیم و امیدهای فراوان بتاريخ (۳۰) سپتامبر سال (۲۰۱۴) در داخل (۲۶) ماده توسط نمایندگان دولتین انهم در سطح پایین دیپلوماتیک امضاء و اعتبار از اول جنوری سال (۲۰۱۵) لازم الاجراء گردید .

درین اواخر که دولت و مردم افغانستان شاهد تشدید حملات هراس افکنان و گسترش تجاوزات سازمان یافته که بیرون از مرزهای کشور طراحی میگردد، میباشد ، ضرورت رعایت و تطبیق فوری مفاد مندرج در توافقات امنیتی و دفاعی افغانستان با جانب امریکا ، بخصوص احکام فقره (۴) ماده (۴) و احکام مندرج در پراگراف های ( ۱ - ۲ - ۳ - ۴) ماده (۶) موافقتنامه امنیتی و دفاعی که وجایب ایالات متحده رادر چهارچوب اراییه مساعدتهای تجهیزاتی ، تسلیحاتی و بویژه تجهیز نیروی هوایی افغانستان با تسلیحات مورد نیاز صراحت می بخشد ، بیک امر سرنوشت ساز به دولت و مردم افغانستان مبدل گردیده است . مردم افغانستان متوقع بود و هستند که امریکا بحیث متحد عمده افغانستان در مبارزه علیه تروریسم، تعهدات اش را در زمینه تجهیز و تسلیح قوای نظامی افغان با تسلیحات مورد نیاز ، بخصوص تسلیحات هوایی ایفاء مینماید اما این مامول تاکنون محقق نگردیده است .

بناء بجا دانسته میشود تا عوامل و فکتورهای عدم تطبیق این سند امنیتی را در پرتو ارزشهای مندرج در کنوانسیون بین المللی حقوق معاهدات ، هنجارهای موجود در موافقتنامه مذکور که بیان صریح تعهدات متعاهدین ( کابل - واشنگتن ) است مورد پژوهش موجز قرار دهیم.

کنوانسیون مورخ (۲۲) می (۱۹۶۹) وین که معرف جامع و همه جانبه حقوقی معاهدات بین المللی از قبیل حقوق ، وجایب ، رعایت اصل برابری ، و غیره میباشد ، تحت الشعاع قواعد و اصول امره حقوق بین المللی قرار داشته ، درست قواعد ایکه بمثابه اصل خدشه ناپذیر از سوی تمامی جامعه بین المللی پذیرفته شده و رعایت ازان الزامی و تخلف ناپذیر خوانده میشود . این قواعد امره در ماده (۵۳) میثاق فوق الذکر تصریح و مراتب ذیل را: تساوی حقوقی متعاهدین ، اهلیت ، حق شکایت ، اقامه دعوی در صورت بروز منازعات ناشی از عدم رعیت مفاد معاهده ، تفسیر ، تعدیل و الغای معاهده بین المللی را در صورت عدم تطبیق شامل میگردد .

فلهذا تردیدی وجود نخواهد داشت که موافقتنامه امنیتی و دفاعی کابل- واشنگتن بر بنیاد اصول و هنجارهای بین المللی بوضوح در فقدان برابری حقوقی شکل گرفت . زیرا دولت ، کلیه میکانیزم ها و سترکتور جدید قدرت در افغانستان بعد از طالبان در نتیجه مداخله مستقیم ایالات متحده و بر بنیاد همکاریهای مالی و تخنیکی ان کشور ایجاد و میتوان مدعی گردید که تداوم روند جاری تحولات سیاسی ، توسعه اقتصادی ، ایجاد زیربنای اساسی و بلاخره بقاء دولت و حفظ دستاورد های موجود در افغانستان درگیر بحران ، متضمن حضور و همکاریهای اجتناب ناپذیر با ایالات متحده پنداشته میشود و ازینروست که اصل برابری و تساوی حقوقی در انعقاد موافقتنامه امنیتی در حاشیه قرار گرفته و منتج به ایجاد بسترهای مناسبی اعمال نفوذ ، دیگتیت و تحکم سیاسی قدرتی چون ایالات متحده میگردد. فلهذا ادعاهای مبنی بر عدم رعایت مفاد موافقتنامه و یا توقع تطبیق بلا انحراف توافقات ایالات متحده در قبال افغانستان ، تصورات و انتظارات واهی و کاذبی را در اذهان تداعی مینماید .

هکذا تدقیق و مطالعه عمیق متن موافقتنامه بیان واضح این حقیقت است که متن کلی این سند بیشتر روی جوانب اخلاقی ، حسن نظر و جوانب تخنیکی تعهدات تاکید داشته تا روی زمینه های عملی و الزامی تطبیق معاهدات ، بطور نمونه بیشترینه از اصطلاحات غیر حقوقی و فاقد محتوی الزامی مانند ، بایست تلاش کرد ، سعی میشود و غیره استفاده گردیده است که فاقد مفاهیم روشن و اصطلاحات معمول در خصوص معاهدات بین المللی است و از اصطلاح حقوقی چون تعهد مینمایم و یا تعهد میگردد ، اجتناب گردیده است که بنوبه خود مبین عدم الزامیت توافقات است که طرفین بدان متعهد گردیده است .

همچنان بر بنیاد ماده (۶۶) میثاق بین المللی حقوق معاهدات ، جانب متضرر معاهدات بین المللی حق دارد تا منازعات ناشی از تطبیق معاهده را در محکمه بین المللی حل منازعات و یا محکمه بین المللی دادگستری اقامه نماید ، در حالیکه افغانستان خود از عدم اقامه هرگونه دعاوی ناشی از عدم تطبیق موافقتنامه مذکور علیه ایالات متحده متعهد گردیده است . چنانچه پراگراف اول ماده (۲۴) موافقتنامه چنین حاکیست : (( هرگونه اختلاف نظر و یا منازعه در خصوص تفسیر و تطبیق این قرارداد باید از سوی افراد با صلاحیت از طریق مشورت میان طرفین حل و فصل گردیده و نباید به هیچگونه دادگاه ملی و یا بین المللی ، دیوان محاکمات و یا نهاد مشابه و یا طرف ثالث به منظور حل و فصل راجع گردد . ))

از فحوای احكام فوق چنین استنباط میگردد که جانب افغانستان تحت حکم پالیسی های زیرکانه و تطمیع ایالات متحده وبدون توجه به مضار و نگرانی های بعدی که از احتمال عدم تطبیق موافقتنامه ظهور خواهند نمود ، خود در تضعیف الزامات و وجایب ناشی از مفاد سند امنیتی نقش داشته وبه عدم اقامه دعوی و عدم رسیدگی قضایی ناشی از تخلفات با جانب امریکا متعهد گردیده است .

فلهذا یگانه وسیله ومیکانیزم که در اختیار کابل بعنوان یک ابزار فشار باقی است ، خروج یکجانبه از موافقتنامه ، الغاء ویا فسخ سند امنیتی مطابق حکم فقره (۴) ماده (۲۶) موافقتنامه مذکور است که به طرفین امکان میدهد تا بعد ارایه اطلاع قبلی دوسال به فسخ موافقتنامه از طریق کانال های دیپلماتیک اقدام نمایند .

بایست اذعان داشت که علی الرغم خلاها ونواقص متعدد ،عدم کرکتر الزامی ، حساسیتها وتبعات که سند امنیتی و دفاعی از منظر سیاسی و حقوقی در داخل ودر مقیاس منطقه وجهان به همراه دارد ، وجود چنین توافق بین المللی باعث میگردد تا ایالات متحده و سایر کشور های حامی افغانستان به حمایت شان از نیروهای امنیتی ملی افغانستان با تادیه ملیونها دالر در سال ادامه دهند که از جمله سهم ایالات متحد به (۴۲۰۰) میلیون دالر در سال بالغ میگردد که براساس تعهدات ان کشور در اختیار افغانستان قرار داده میشود.

لذا بدیهی است که هم موافقان وهم مخالفان این سند امنیتی بخوبی میدانند که هر گونه تلاش در جهت الغای کامل این سند که یگانه شرط دوام همکاری ها با افغانستان پنداشته می شود، باعث ان میگردد تا دولت افغانستان نتواند ویا قادر نخواهند بود تا مخارج حقوق ماهیانه نیرو های نظامی خود را از امکانات ومنابع داخلی تمویل نماید ، لذا توسل به ابزار تجدید نظر وتلاش در راستای الغای موافقتنامه امنیتی ودفاعی که درین اواخر در اوج گسترش تهاجم گروه های مخرب ودهشت افکن ، توسعه جنگ به مناطق امن در شمال کشور و تشدید مداخلات سازمان یافته خارجی که از ادرس تریبون پارلمان افغانستان در خور فهم مردم داده می شود ، بطور یکجانبه بزبان کابل خواهند انجامیده همانگونه که بی تفاوتیهای غرب در عدم تجهیز نیروهای دفاعی وامنیتی افغان با وصف ادامه حضور غرب درین کشور ، ابزار تبلیغاتی نیرومندی درتداوم به اصطلاح جنگ مقدس در برابر حضور خارجی در اختیار دشمن قرار گرفته و در ا زمدت منجر به استمرار جنگ ، گسترش مداخلات خارجی و توسعه بیش از پیش بحران درکشورما ومنطقه خواهند گردید.